



روح تمدن مدرن دنیای امروز دنیاپرستی است

در نگاه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی تمدنها، ظهور و بروز تمایلات و اندیشه های بشری است و لذا روح تمدن مدرن دنیای امروز هم تصویر دنیاپرستی است که در غالب ساختارهای اجتماعی و تکنولوژی ظهور پیدا می کند.

در نگاه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی تمدنها، ظهور و بروز تمایلات و اندیشه های بشری است و لذا روح تمدن مدرن دنیای امروز هم تصویر دنیاپرستی است که در غالب ساختارهای اجتماعی و تکنولوژی ظهور پیدا می کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، شاید بتوان گفت اولین مواجهه و غرب ستیزی سید منیرالدین حسینی الهاشمی(ره) با غرب و محصولات غربی در ایام نوجوانی و تحت تأثیر و تربیت خاص مکتب پدر شکل گرفته است. مرحوم آیت الله العظمی سیدنورالدین حسینی شیرازی از مراجعی بود که حضور جدی در مسائل سیاسی - اجتماعی داشت و شاید بتوان گفت تنها مرجعی بود که حزبی سیاسی - مذهبی را پایه گذاری کرد و نفوذ بسیاری در جامعه آن زمان داشت. بر همین اساس استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی در تمام عمر به ویژه در ایام نوجوانی و جوانی به شدت تحت تأثیر شخصیت پدر بود. روحیه متعبد و معنوی، اندیشه علمی و توانایی های سیاسی اجتماعی و مخصوصاً روحیه غرب ستیزی و استکبارستیزی در مزرعه مستعد وجود او از همین جریان زلال، اشراب و آبیاری شده است.

سفر به نجف اشرف و مشاهده آثار حضور سیاسی و تکنولوژی غرب از یک سو و از سویی دیگر توفیق حضور در حوزه علمیه نجف و دیدار با امام خمینی(ره) و استفاده از محضر ایشان به ویژه در بحث ولایت فقیه بر ایشان تأثیر عمیق نهاد و اندیشه سیاسی و اجتماعی ایشان را نظام و سامانی نو بخشید؛ به گونه ای که گویی حلقه مفقوده او در این گونه مباحث از درس های خارج امام خمینی (ره) بر او مکشوف و روشن می شود.

علاوه بر این، برخورد مستقیم با افکار و آثار مارکسیستی کاپیتالیستی آن زمان و بحث و بررسی پیرامون هیاهوها، شبهات و تبلیغات ماده گرایانه مشهود و مطرح در آن مقطع و اندیشیدن برای پاسخ گویی به شبهات و خنثی سازی تبلیغات در دفاع از حقانیت اسلام، ایشان را در جایگاه استادی آشنا و مسلط بر مبانی مکاتب غیر الهی شرقی و غربی قرار داد. علاوه بر این موارد با حضور در مجلس خبرگان قانون اساسی به خوبی خطرات نفوذ اندیشه های غربی در تفکر انقلاب بر ایشان روشن گردید و در همین راستا مخالفت های صریحی با اندیشه های غربی امثال ابوالحسن بنی صدر اتخاذ می نمود.

اگرچه استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی مبحث مستقلی پیرامون غرب شناسی عرضه نکرده است ولی همواره مباحث اثباتی خود از بستر نقد و نقض آغاز می کرد مخصوصاً در باب توصیف و نقد تمدن مادی دنیای امروز مباحث فراوانی در لابلای مباحث این استاد گرانسنگ مطرح می باشد.

۱- رویکرد تمدنی در تحلیل غرب

رویکرد استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی در باب شناخت غرب رویکردی تمدنی است و از این منظر او غرب مدرن را در کلیت خود تمدنی مادی می داند که براساس مبانی، اصول و رویکردی مادی در تمامی شئون تمدنی خود شکل گرفته است و لذا تمدن اسلامی تفاوتی بنیادین با تمدن مادی دارد. البته تفاوت بارز غرب شناسی و غرب ستیزی استاد با دیگران در این است که اگرچه استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی تقابل غرب و اسلام را یک تقابل همه جانبه می داند اما هیچ گاه دستاوردهای غرب را به طور مطلق نفی نمی کند؛ بلکه مدعی است عبور از غرب نه با نفی آن، بلکه با «گذار» از آن ممکن و میسر است. علت پیدایش این نظریه به ظاهر دوگانه، رویکرد روش شناختی این مکتب، رویکرد کل نگر و سیستمی در منطق سازی می باشد.

اگرچه نگرش استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی، تمامیت غرب مدرن را با جهت مادی و دنیوی آمیخته دانسته و عبور از آن را لازم می شمرد، اما به منظور عبور از دوران گذار و گذر از عالم غربی، انزوا و بازگشت به نظام پیش از تجدد را نیز تجویز نمی کند؛ بلکه بر نوعی خاص از اخذ و اقتباس مشروط، براساس الگو و مدل برآمده از نظام نیازمندی های بومی و ارزشی دینی تصریح دارد.

۲ - جهت گیری حاکم بر تمدن مادی

مهمترین توجه در توصیف غرب، توجه به جهت گیری حاکم در روند شکل گیری غرب جدید و به تعبیر دیگر روح حاکم بر دنیای جدید است. در نگاه استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی روح حاکم بر دنیای مدرن پرستش ماده و تناسبات ماده می باشد و راندمان انسانی که در غرب پرورش پیدا می کند همه چیزش مادی تعریف می شود. در نظر وی مدرنیته تکامل گرا بوده و وحدت و کثرت جدید، موضوعات جدید، روابط جدید و در پایان، حالات جدید، ادبیات جدید، آثار جدید را می طلبد ولی

نسبیت گرایی مادی بر آن حاکم است. بنابراین معیار اساسی، توسعه در غرب بهره‌وری بیشتر و رفاه مادی بیشتر است. براساس همین جهتگیری حاکم است که تحریک به شهوات اساس مدیریت و سرپرستی اجتماعی در غرب مدرن است.

در نگاه استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی تمدن‌ها، ظهور و بروز تمایلات و اندیشه‌های بشری است و لذا روح تمدن مدرن دنیای امروز هم تصویر دنیاپرستی است که در غالب ساختارهای اجتماعی و تکنولوژی ظهور پیدا می‌کند. در نگاه ایشان جریان جهتگیری مادی غرب در تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی غرب به گونه‌ای رخ داده است که بسیار متفاوت با جریان کفر در تاریخ گذشته بشریت دارد. تعبیر ایشان این است که شرح صدر کفر در دنیای غرب بسیار پیچیده شده است.

۳- ارکان اساسی غرب

استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی در مباحث مختلف خود برشهای متفاوتی نسبت به تحلیل ارکان اساسی غرب داشته‌اند اما در اینجا تنها به یک نمونه آن اشاره می‌گردد که اتفاقاً آخرین جلسه استاد در زمان حیات بوده است. در این جلسه استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی، سه رکن اساسی مدرنیته را دستگاه تولید، توزیع و مصرف آن می‌داند.

الف - دستگاه تولید در مدرنیته، نظام مفاهیم آن است و این نظام عمدتاً بر پایه روش علوم استوار است. روش علوم، پیش فرضها و راندمان آن، حسی فرض می‌شود. پس مدرنیته با قوانین عالم محسوس سر و کار دارد و مفاهیم آن هم کاربردی است. کارآمدی‌های این مفاهیم هر چند در یک نظام منطقی منسجم قابل تعریف، عرضه نمی‌شوند، ولی طبقه بندی منطقی نسبی دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ به گونه‌ای که «علوم پایه»، نقش اصول اعتقادات و «علوم تجربی»، نقش فروع اعتقادات و «علوم انسانی» نقش مسائل و حل مسائل را بر عهده دارد. نظام مدرنیته، مفاهیم کارآمد را منحصر در همین مفاهیم می‌بیند. اگر «علوم پایه» را متناظر و نه مطابق با «اصول» بگیریم، آن‌گاه «علوم تجربی»، متناظر با «فروع» است و «علوم انسانی» نیز متناظر با «کاربرد فروع در مسائل و جزئیات» است.

در دستگاه تولید مدرنیته فقط به «تولید نظام مفاهیم» اکتفاء نمی‌شود بلکه «آموزش مفاهیم» نیز بسیار مهم است. در واقع یک نظام آموزشی واحد و طبقه بندی اطلاعات بنیان نهاده شده است؛ یعنی در نظام مفاهیم معلوم شده است که چه ترکیبی از چه اطلاعاتی در هر مرتبه‌ای لازم است و در کجا به آن، «اطلاعات عمومی» یا «اطلاعات کارشناسی» و یا «اطلاعات تخصصی» اطلاق می‌شود. این نظام مفاهیم به پذیرش جهانی هم رسیده است؛ یعنی از طریق طبقه بندی عمومی شان پذیرفته شده است که به هر کس با طی چه مرحله از مراحل تحصیل، مثلاً مدرک دیپلم یا لیسانس داده می‌شود؛ لذا هر شخص با هر یک از این مراتب تحصیلی در هر جای دنیا پذیرفته می‌شود.

از سویی دیگر بر اساس تعاریف و سپس شاخصه‌هایی، ارزشیابی‌هایی نیز بر روی مؤسسات آموزشی جهانی انجام گرفته و ارزش و رتبه علمی هر دانشگاه هم مشخص و به صورت رسمی ثبت شده است؛ به طوری که شما از هر دانشگاهی و در هر سطحی باشید، میزان کارآمدی شما شناخته شده است.

ب: در نظام مدرنیته یک دستگاه توزیع و به عبارت دیگر یک ساختار اجتماعی نیز وجود دارد که به انسان‌ها بر حسب مرتبه‌ای که اطلاع پیدا کرده‌اند، جایگاه و اختیار داده می‌شود؛ یعنی اختیار به گونه‌ای توزیع می‌شود که حق تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به آنها داده می‌شود و هماهنگی ارتباطات انسانی را بر عهده می‌گیرند. به عبارت دیگر، رفتار انسان‌ها در شئون مختلف، زیر چتر نظام توزیع یا ساختارهای اجتماعی می‌رود. رفتار اجتماعی در کلیه سطوح، تعیین اختیار و تصمیم درباره آن و تشخیص آن در این ساختارهای اجتماعی انجام می‌گیرد. در همه این حالات، رفتار شما در گردش ارتباطات و رفتار اجتماعی باید در قالب ساختارهای اجتماعی باشد.

ج: دستگاه تولید، در نظام مدرنیته برای دستگاه توزیع اختیار و وظایف اجتماعی، انسان‌هایی کارآمد را تولید می‌کند. ویژگی دستگاه توزیع این است که علاوه بر تولید محصولات اجتماعی، نظام نیاز و ارضاء نیز به صورت اجتماعی تولید می‌شود. این تولید ابتدا زمینه ساز تخلف است، ولی به تدریج تخلف از آن دشوار می‌شود؛ به گونه‌ای که به تدریج تخلف ناپذیر می‌شود؛ یعنی برای گرایش غالب (۷۰٪) ضرورت و امتناع عینی ایجاد می‌شود؛ همانند استفاده از لوازمی که در ابتدای پیدایش گاهی مورد مخالفت واقع می‌شده اما امروزه در بعضی از موارد انسان نمی‌تواند مخالفت بکند و یا مجبور است مدرن‌ترین وسایل از جمله مایهواره و اینترنت را داشته باشد.

در این حال، زبان اجتماعی، ادبیات جامعه و کل ارتباطات و به تبع آن مفهوم مجاری حس و مجاری سنجش تغییر می‌کند. در نتیجه قلب یا اخلاق در بستری زندگی می‌کند که تحریکات، سنجشها و محاسبات آن بستر به طور کلی مادی است. البته نه اینکه انسان مطلقاً مسخ می‌شود؛ انسان اختیار دارد، ولیکن دایرة اختیارات اجتماعی تنگ‌تر می‌شود و اختیارات فردی در امور فردی به یک نسبتی می‌تواند، هنوز الهی باشد.

استاد حسینی الهاشمی بر اساس مدل تمدنی خود، سه رکن اساسی یک تمدن را از بعد نرم افزاری "نظام گرایش، نظام بینش، و نظام دانش" می داند و معتقد است اولین گام در شکل گیری یک تمدن، تغییر در نظام تمایلات اجتماعی می باشد. به نظر او در غرب هم ابتدا تمایلات و زیبا شناسی اجتماعی تغییر کرد.

در واقع انقلاب هنری در نقاشی و معماری، پسند اجتماعی را تغییر داد و زیبایی شناسی را تغییر داد و سپس تفکر عوض شد و این منتهی به يك انقلاب در پذیرفته شده های فلسفی و دینی و دگرگونی ساختارهای اجتماعی شد.

در نگاه استاد حسینی الهاشمی اساس حرکت و توسعه در غرب "تنوع طلبی بر محور تلذذ از دنیا" می باشد و از نظرگاه ایشان تمدن مادی جهان امروز چه به شکل غربی و چه به شکل شرقی آن تماماً در اینکه اساساً تمدنی مادی می باشند مشترک هستند و در دنیای امروز جهان گیر شده است.

بر این اساس فرایند توسعه و بسط غرب جدید بر اساس "اصل بودن بهره وری مادی و مدیریت جریان نیاز و ارضاء" صورت می گیرد.

استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی ویژگی تمدن جدید را استعمار جدید بشریت می داند که تفاوت جدی آن با استعمار کهنه در آن است که در این شیوه از استعمار، تلطیف فردی صورت می گیرد، ولی در عین حال همانند استعمار کهنه به دنبال آن است که جهانی سازی کرده و فرهنگ و ارزش های خود را تحمیل بر ملت ها کرده و در سایه آن منابع آنها را به غارت ببرد.

۵ - نقد غرب

آخرین محور در نگاه غرب شناسی استاد، نقد غرب از نگاه ایشان می باشد. البته نقد های ایشان نوعاً نقدهای بنیادین می باشد که در فضای مطلوب حیات انقلاب اسلامی به پذیرش عمومی تبدیل می گردد. نقدهای ایشان نوعاً با رویکردی تمدنی و حتی عمیق تر از آن با رویکردی از منظر فلسفه تاریخ شیعی می باشد که این نوع نقدها بسیار متفاوت و عمیقتر از نقد های موردی و نوعاً انتزاعی به عرصه های مختلف تمدن یک پارچه غرب می باشد. این نقدها دارای ابعاد مختلفی می باشد که از مهمترین آنها نقد به مبانی و اهداف تمدن غرب از یک طرف و نقد به ارکان سازنده تمدن غرب، یعنی علوم، ساختارها و محصولات تمدنی غرب می باشد.

از منظر استاد حسینی الهاشمی غرب مدرن ادامه جریان تاریخی الحاد و جبهه باطل در عصر حاضر می باشد. البته با این تفاوت که در عصر حاضر جریان الحاد به یک شرح صدری در کفر خود دست یافته است که در گذشته تاریخ نظیر آن را نمی توان یافت. از ویژگی های دنیای مدرن که بسیار متفاوت از جریان باطل در گذشته می باشد اینست که در غرب امروز الحاد و مناسک آن به صورت بسیار پیچیده و ظریف اقامه می گردد.

در نگاه استاد غرب امروز توانسته است به صورت هماهنگ تمامی نرم افزارها و سخت افزارها و حتی سبک زندگی خاصی را بر اساس جهتگیری مادی خود بنا کند. حال اگر کسی نگاه تمدنی به غرب امروز نداشته باشد و به کیفیت جهانی شدن آن اشراف نداشته باشد در تحلیل و ارزیابی غرب دچار ساده اندیشی می شود و به راحتی با نگاهی تفکیکی و جزیره ای و با نگاهی ظاهربین حکم به صحت و امکان استفاده از بسیاری از نرم افزارها و سخت افزارهای دنیای مدرن می دهد. در نگاه تمدنی استاد در غرب مدرن سراسر برخاسته شده از جریان کفر و الحاد است و هیچگونه خیری در آن یافت نمی شود. از نگاه ایشان انسان مدرن بر اساس حاکمیت تناسبات مادی به کالائی تبدیل شده و در زیر فشار دنیای ماشینی غرب به بحران هویت رسیده است.

حذف شدن انسان در جریان توسعه مادی (حاکم شدن محصولات طبیعی بر اخلاق)، کالا شدن و از بین رفتن هویت زن، بن بست بحران اخلاقی، حاکمیت نسبیت مادی بر اخلاق، تبعیت اخلاق از تکنولوژی، عدم وجود محبت در غرب، عدم امکان تحقق آزادی و دموکراسی در غرب، محو دموکراسی در سایه حفظ رشد نرخ سود سرمایه و جایگزینی استبداد به جای دموکراسی، عدم تحقق نظام آزاد اقتصادی، عدم تحقق عدالت، عدم تحقق امنیت در تمدن مادی، توسعه اضطراب، استواری جامعه بر ترس، عدم تحقق رفاه عادلانه و فاصله طبقاتی از دیگر نقدهای جدی استاد به تمدن غرب می باشد.

در آخر اینکه در نگاه استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی غرب مدرن، یک کل و مجموعه هماهنگ و نظاممند در قالب یک

تمدن با همه اجزاء سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تمدنی خود در دنیای امروز می باشد که هدف و غایت آن، کام جویی هرچه بیشتر از دنیا، با تکیه بر سه اصل: هستی شناسی مادی، کافی دانستن عقل و حس خود بنیاد بشر در شناخت آن، همراه با توجه محض به حق محوری انسان، در تمتع از عالم است. در حالی که اسلام نیز مدعی تمدنی هماهنگ و منظم که هدف و غایت آن، توسعه عبودیت خداوند در همه شئون و همه سطوح با تکیه بر عقل متعبد به وحی می باشد. از نظر استاد حسینی الهاشمی، این دو تمدن با چنین تعاریفی، چه در جهت، چه در ساختار و چه در کارآیی، اوصافی متفاوت و شاخصه هایی مغایر با یکدیگر دارند که تقابل و عدم آشتی آنها یک ضرورت بوده و می باشد.

ایشان با توجه به عامل یکپارچگی و جهت کلی غرب معتقد است که نظامی یکپارچه و منظم در غرب شکل گرفته است که نه تنها غایت آن، هیچگاه با اسلام سازگار نخواهد بود بلکه در تعارض قطعی با اسلام است. بنابراین اگر او مدرنیته غربی و دستاوردهای آن را به صورت مطلق باطل میدانند، منظور روح حاکم بر غرب است که از منظر این اندیشه با مفهوم «جهت» غرب مطالعه می شود. اما در باب ساختارها و محصولات غربی می توان با تصرف و گزینش روشمند در دوران گذار استفاده بهینه نمود. اگرچه لازم است با تمام توان براساس مهندسی تمدن اسلامی در پی تولید نرم افزارها و سخت افزارهای متناسب همت گمارد و زمینه تحقق انقلاب فرهنگی و رفع کامل آسیب های نظام اسلامی را فراهم آورد و در سطح جهانی نسخه جدید زیست انسانی را جایگزین نسخه های مادی نموده و زمینه تحقق حکومت عدل مهدوی(عج) را فراهم نمود. انشاءالله.*

*نویسنده: حجت الاسلام محمدرضا کتابی